



## تأثیر اسکان غیررسمی بر افزایش میزان جرم و آسیب‌های اجتماعی در استان البرز

دکامی زینب<sup>۱\*</sup>، حسنا فلاحی<sup>۲</sup>، بهاره نوبهار<sup>۳</sup>

از صفحه ۶۱ تا ۸۵

دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۱

پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶

### چکیده

در کشور ما پس از آغاز نوسازی اقتصادی، اجتماعی و دسترسی روستاها به خدمات جدید بهداشتی، آموزشی، تغییر الگوی مدیریت روستایی، ظهور اقتصاد نفتی و قطع وابستگی به کشاورزی، مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهر سبب شد تا حاشیه‌نشینی در جدیدترین بیان، اسکان غیررسمی به عنوان بافت آپاندیس شهری رشد کند. در پی این پدیده، شاهد بروز و شیوع آسیب‌های اجتماعی متعددی - که منجر به طلاق عاطفی و در نهایت طلاق رسمی می‌شود - هستیم. هدف از انجام این پژوهش، شناخت بحران حاشیه‌نشینی و اثرات سوء آن بر سیما و منظر شهری و نیز تبعات نامناسب اجتماعی در پی شناخت عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و رشد حاشیه‌نشینی و تعیین نقش حاشیه‌نشینی در آسیب‌های اجتماعی و طلاق در استان البرز می‌باشد. با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای مانند پایان‌نامه‌ها، کتب، مقالات، مجلات، نشریه‌ها و نمایه‌های نوشته شده در این زمینه، سعی شده است نگاهی جامع به موضوعات اسکان غیررسمی و شناخت راهکارهای پیشگیری از این مسئله شود. با استفاده از این روش، مبانی نظری درباره متغیرهای اصلی پژوهش جمع‌آوری شد. تحقیق حاضر نشان داد که سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینی، تأثیر بسزایی در به وجود آوردن معضلات و آسیب‌های اجتماعی، از جمله توزیع مواد مخدر، بیکاری و طلاق دارد؛ بنابراین با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه‌گیری کرد که سکونتگاه‌های غیررسمی، موجب بروز مشکلات و به هم ریختگی بافت شهری در کلان‌شهر کرج می‌شود.

واژه‌های کلیدی: پیشگیری از مهاجرت، اسکان غیررسمی، آسیب‌های اجتماعی، طلاق.

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی‌ارشد روانشناسی بالینی دانشکده روانشناسی، واحد کرج، (نویسنده مسئول)  
zeinabdekami@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی‌ارشد روانشناسی بالینی دانشکده روانشناسی، واحد کرج دانشگاه آزاد اسلامی  
hosnafallahi@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی‌ارشد روانشناسی بالینی دانشکده روانشناسی، واحد کرج دانشگاه آزاد اسلامی  
bahareh.nobahar1395@gmail.com

## مقدمه

امروزه یکی از چالش‌های عمده شهرهای بزرگ و به ویژه کلان‌شهرهای کشور اسکان غیررسمی می‌باشد. وضعیت عمومی رشد شتابان جمعیت شهری و گسترش پهنه‌های فقر، اساس زندگی شهری در کشورهای رو به توسعه را با اوضاع نگران‌کننده‌ای روبرو ساخته است. مسائلی چون رشد فقر، کاهش شاخص‌های کیفیت زندگی، ازدیاد بیکاری، رشد سکونتگاه‌های غیررسمی و آلودگی‌های زیست‌محیطی، شهرهای این کشورها را با بحران‌های متعدد روبرو ساخته است. از مهم‌ترین مسائل گفته‌شده در شهرهای این کشورها، اسکان طیف گسترده‌ای از جمعیت مهاجر و کم‌درآمد، در نواحی آسیب‌پذیر است، که زمینه بروز ناهنجاری‌ها و ناپایداری شهری را تشدید کرده است. جمعیت مهاجر، هرچند در حوزه کلان اقتصاد شهری و حتی گاه عمدتاً در بخش رسمی آن حضور دارند، لیکن در محدوده‌های غیررسمی سکونت یافته و از خدماتی بسیار ناچیز برخوردار می‌باشند. رشد روزافزون این شکل از سکونت‌گاه‌ها در دهه‌های گذشته در ایران، به ویژه در کلان‌شهرها و یا شهرهایی که از رشد برون‌زای اقتصادی برخوردار بوده‌اند، حاکی از توجه کمتر به این بخش‌ها و نیز عدم توجه به سکونتگاه‌های غیررسمی، در دهه‌های گذشته است. از آنجایی که در شهرها افراد، شناختی از یکدیگر نداشته و در نتیجه کنترل و نظارت اجتماعی بر عملکرد آنان از میان رفته است، موجب شکل‌گیری نابهنجاری اجتماعی می‌گردد؛ به طوری که میزان جرائم شهری با توسعه شهرها و افزایش جمعیت، ارتباط مستقیم دارد. لذا شاهد شکل‌گیری نقاط مستعد در پیرامون کلان‌شهرها هستیم که به عنوان بهترین پایگاه شکل‌گیری و ترویج نابهنجاری‌های اجتماعی و جرائم شناخته می‌شوند. وجود مناطق حاشیه‌نشین بر اثر فقدان و عدم تأمین نیازهای اولیه موجب بروز آسیب‌های اجتماعی گوناگونی می‌شود، در حال حاضر پدیده حاشیه‌نشینی در شهرها به صورت یک مسئله اجتماعی حاد جلوه‌گر شده است؛ زیرا این پدیده، منشأ بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از قبیل فقر، بیکاری جرم، اعتیاد و طلاق است. فشار ناشی از این عوامل و احساس محرومیت نسبی، افراد حاشیه‌نشین را به سمت جرم و جنایت می‌کشاند (امیری و همکاران، ۱۳۹۲).

پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای در حال توسعه با تقلید و الگوبرداری از کشورهای اروپایی، شهری شدن آرام را کنار گذاشته و روند توسعه شتابان را آغاز نمودند، که این توسعه بر حذف سنت‌های جامعه، ورود عناصر نو از خارج و تکیه بر فناوری کشورهای توسعه‌یافته، مبتنی بود و موجب تشدید مهاجرت روستاییان به شهر و از سوی دیگر رشد سریع شهرنشینی شد و حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی در کشورهای جهان سوم با واحدهای مسکونی رو به ویرانی و فرسوده با تجهیزات ناقص در حاشیه شهرها، تسلط فرهنگ فقر، جدایی‌گزینی توده‌های مردم

روستایی از جامعه شهری، شهرک‌های چسبیده به شهر با مواد و مصالح کم دوام ساختمانی به وجود آمد (خزایی، ۱۳۹۱).

حاشیه‌نشینی به‌نوعی اسکان گفته می‌شود که افراد بدون اجاره و یا پرداخت اجاره‌بها، مکان‌هایی را اشغال کرده و آن را پناهگاه خویش قرار داده‌اند. حاشیه‌نشینی، مترادف با زاغه‌نشینی است و نوع مسکن حاشیه‌نشینان را بیان می‌دارد در این مناطق در هر اتاق سه نفر یا بیشتر زندگی می‌کنند و مهم‌ترین ویژگی آن نوع ساختمان و بافت فیزیکی آن‌ها است که به صورت زاغه، آلونک، کپر، زیرزمین، چادر و اتاق حلبی معروف هستند و فاقد ابتدایی‌ترین وسایل بهداشتی، خدماتی و فرهنگی هستند (خزایی، ۱۳۹۱). لذا پژوهش حاضر به دنبال مهم‌ترین عامل در پیدایش و گسترش اسکان غیررسمی و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن در استان البرز می‌باشد.

### بیان مسئله

امروزه صدها میلیون نفر از مردم جهان، به ویژه در کشورهای درحال توسعه، در سکونتگاه‌های غیرمجاز و آشفته، در شرایط بد اقتصادی - اجتماعی و زیست‌محیطی زندگی می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۷: ۸۵).

در مجموع، اسکان غیر رسمی به‌مثابه یکی از چهره‌های بارز فقر شهری تعریف شده است که درون یا مجاور شهرها (به‌ویژه شهرهای بزرگ) به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه رسمی شهرسازی با تجمعی از اقشار کم‌درآمد و سطح نازل کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد و همان پدیده‌ای است که با عناوینی چون حاشیه‌نشینی، اسکان غیر رسمی، سکونتگاه‌های خودرو و نابسامان و اجتماعات آلونکی خوانده می‌شود (صرافی، ۱۳۸۷: ۵).

پدیده حاشیه‌نشینی و سکونت در مساکن نامتعارف در ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای درحال توسعه، قدمت کمتری دارد. مطالعات و بررسی‌های متعدد در شهرهای مختلف نشان می‌دهد که این سابقه از نظر زمانی از سال‌ها پیش، از سال ۱۳۲۰ و به دنبال نفوذ فرهنگ و اقتصاد سرمایه‌داری در ایران آغاز گردید و سپس منجر به تحولاتی شد که نهایتاً موجب گسترش بی‌رویه شهرها و انزوای روستاها گردید. حاشیه‌نشینی و مشکلات مرتبط با آن، نتیجه و برآیند مستقیم توسعه شهرنشینی است و وضعیتی است که صرفاً در جوامع شهری اتفاق می‌افتد (پارسای، ۱۳۹۳). طلاق در اصطلاح، عبارت از پایان دادن زناشویی به وسیله زن و شوهر است، طلاق را اغلب راه‌حل رایج و قانونی عدم سازش زن و شوهر، فروریختن ساختار زندگی خانوادگی، قطع پیوند زناشویی و اختلال ارتباط والدین با فرزندان تعریف کرده‌اند (آقایی، ۱۳۸۷).

هر جامعه‌ای در حال توسعه در روند تحول خود، با موانع گوناگونی برخورد می‌کند، که هر کدام به نوبه‌ی خود سبب رکود این تحول می‌شود. شیوع و گسترش آسیب‌های اجتماعی از جمله موانعی است که باعث به هدر رفتن بسیاری از سرمایه‌های جامعه انسانی می‌شود. طلاق از جمله عوامل گسیختگی و از هم پاشیدگی کانون خانواده است که عواقب بسیاری را برای افراد جامعه داشته و می‌تواند منشأ بسیاری از آسیب‌های اجتماعی مانند انحرافات جنسی، خودکشی، فرار از منزل، اعتیاد، تکدی‌گری، ولگردی، افت تحصیلی، بزه‌کاری فرزندان و غیره شود (احمدی، ۱۳۹۰).

آمارهای به ثبت رسیده، نشان‌دهنده میزان چشمگیر و رو به افزایش طلاق رسمی، تقریباً در همه استان‌های کشور، حتی استان‌های سنتی، متعصب و مذهبی است و متأسفانه این مسئله نشان می‌دهد که طلاق به صورت امری عادی در بین همه قومیت‌ها نفوذ کرده است اما در این میان " طلاق عاطفی " پنهان و ثبت‌نشده در زندگی بسیاری از زوجها است که اگرچه زن و شوهر به‌طور رسمی از هم جدا نمی‌شوند، اما بدون هیچ احساس و عاطفه‌ای نسبت به هم و فقط به صورت هم‌خانه، به زندگی خود ادامه می‌دهند. در این موارد، علل متفاوتی از جمله محدودیت‌های فرهنگی، قومی و اجتماعی، مانند چشم و هم‌چشمی‌ها و ترس از حرف مردم، ترس از تنها ماندن، مشکلات اقتصادی و نگرانی از بزرگ کردن فرزندان و غیره، مانع از رسیدن به مرحله طلاق رسمی می‌شود (زمانی و همکاران، ۱۳۹۳).

### اهمیت و ضرورت تحقیق

حاشیه‌نشینی که پیامد رشد بیش از حد شهرنشینی است به دنبال خود مسائل و مشکلات زیادی را به همراه دارد از جمله؛ مسکن غیرمعمول، خیابان‌های تنگ، مشکلات زیست‌محیطی و بهداشتی، تراکم بالای جمعیت، فقر فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی، آسیب‌پذیری بالا در برابر حوادث طبیعی، سطح پایین برخورداری از امکانات و تسهیلات زندگی، اعم از برخورداری لازم از امکانات، تأسیسات و خدمات شهری، اشتغال غالب در مشاغل غیررسمی و تصرف عدوانی زمین از ویژگی‌های عمومی اسکان غیررسمی است اما عمده‌ترین ملاک‌ها عدم رسمیت ویژگی‌های کالبدی مسکن و مالکیت زمین است (کمانرودی، ۱۳۸۵).

با عنایت به موارد مطرح شده، توجه به پدیده اسکان غیررسمی در استان البرز، با توجه به اهمیت موضوع و با در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کالبدی ضرورت داشته، چراکه توسعه و گسترش چنین سکونت‌گاه‌هایی روزبه‌روز بر مشکلات این شهر دامن می‌زند. بی‌توجهی به آن‌ها خطرات جدی در ابعاد مختلف خواهد داشت، لذا چاره‌جویی در این زمینه یکی از موارد ضروری

است. با استناد به مطالب فوق الذکر و پیشینه پژوهشی، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤالات است که:

- ۱- آیا، سکونتگاه‌های غیررسمی در گسترش آسیب‌های اجتماعی در استان البرز تأثیر دارد؟
- ۲- آیا راهکارهایی برای یکپارچه‌سازی و سامان‌دهی نظام شهری در مناطق حاشیه‌نشین استان البرز وجود دارد؟

### روش تحقیق

روش پژوهش با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، مانند پایان‌نامه‌ها، کتب، مقالات، مجلات، نشریه‌ها خبرهای مهم روز و نمایه‌های نوشته شده بوده و در این زمینه، سعی شده است نگاهی جامع به موضوعات اسکان غیررسمی و شناخت راهکارهای پیشگیری از این مسئله شود. با استفاده از این روش مبانی نظری درباره متغیرهای اصلی پژوهش جمع‌آوری شد.

جدول ۱: نتایج سرشماری عموم نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵

سال ۱۳۹۵	سال ۱۳۹۰	میزان شهرنشینی
۷۴	۷۱/۴	کل کشور
۹۳/۹	۹۲/۸	استان تهران
۹۲/۶	۹۰/۵	استان البرز

جدول ۲: نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن

روستایی	شهری	کلی	متوسط رشد سالانه جمعیت
-۰/۶۷	۱/۹۷	۱/۲۴	کل
-۱/۴۷	۱/۹۵	۱/۷۲	تهران
-۲/۶۴	۲/۸۴	۲/۳۷	البرز

منبع: مرکز آمار ایران

### دیدگاه‌های مرتبط با حاشیه‌نشینی

از دیدگاه نظری، سابقه نگاه علمی به موضوع جرم در ارتباط با محیط شهری برای نخستین بار به مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو بازمی‌گردد. دانشمندان مکتب جامعه‌شناسی شهری شیکاگو، جرایم شهری را در محیط‌های شهری با توجه به ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی و کالبدی مناطق مختلف شهر مورد بررسی قرار دادند و بر این باور بودند که، رفتار ساکنان شهری، در چارچوب محیط‌های شهری قابل مطالعه است و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی و کالبدی در جرم‌های منطقه‌ای تأثیر دارد (موسوی، ۱۳۷۸: ۹۲).

همچنین برگس و لويس (۱۹۹۳) از مکتب شیکاگو، به طور عمده پیرامون شهرهای ایالات متحده پژوهش کرده‌اند. به نظر این دو پژوهشگر، حرکت طبقات بالا از مرکز شهر به سمت خارج در اثر شلوغی، افزایش تراکم و رشد و هجوم گروه‌های فقیر تازه وارد و گروه‌های نژادی به جای آنها و افت شرایط ساختمانی، سبب شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشینی می‌شود (هارالمبوس، ۱۹۹۰: ۵۹۵).

پارسنز در بحث خود به هماهنگی و انسجام بین اجزای مختلف یک سیستم عاملی برای برقراری و حفظ نظم در آن سیستم می‌باشد، به طوری که همه اجزا به دنبال حفظ مجموعه کل هستند و کارکرد هر یک نیز به خوبی بیانگر این واقعیت است. همچنین پارسنز معتقد است که، نظم اجتماعی فقط از طریق دولت برقرار نمی‌شود. به همین جهت، وی مفهوم هنجار را وارد کنش اجتماعی خویش می‌کند و معتقد است که با درونی کردن هنجارهای جامعه در افراد با حداقل هزینه می‌توان نظم و امنیت را برقرار کرد. پس به جای استفاده از زور، قدرت، اجبار و ابزار بیرونی، وی به درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها توجه دارد (دوله و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲).

مارشال کلینارد معتقد است، حاشیه‌نشینی، مسئله و عارضه‌ای شهری است و منشأ عمده بزه‌کاری و جرم است. سهم زیادی از وقوع جرم در کشور، به حاشیه‌نشینان اختصاص می‌یابد به دلیل عدم تطابق هنجاری و دست‌نیافتن به شناخت اجتماعی حاشیه‌نشینان و هم‌چنین سطح نازل معیشت اقتصادی این طبقه اجتماعی، نوعی انحرافات نهادینه می‌شود و درکنش آنها به چشم می‌خورد. بیشتر خانواده‌های حاشیه‌نشین، شغل رسمی برای تأمین معاش خود ندارند و چون این افراد عموماً فاقد مهارت و تخصص و سرمایه‌گذاری هستند؛ به مشاغل کاذب و بعضاً مجرمانه مانند: دست‌فروشی، کوپن‌فروشی، گدایی، زباله‌دزدی، خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی روی می‌آورند. از عوامل گرایش به اعتیاد، فقر و بیکاری، فقدان برنامه صحیح به منظور پر کردن اوقات فراغت، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و در دسترس بودن مواد مخدر را می‌توان نام برد (مرادی و خلج زاده، ۱۳۹۶). مطالعه در زمینه ارتباط محیط و خشونت به اوائل قرن نوزدهم برمی‌گردد که

بیشتر ارائه الگوهای منطقه ای جرایم و مقایسه مناطق شهری و روستایی و پیمایش در زمینه ارتباط جرایم با دیگر ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی بود که در ابتدا توسط گراو (۱۸۳۳) در فرانسه و در بلژیک توسط کتله (۱۸۴۲) انجام گرفت و سپس در رشته‌های مختلف مطالعاتی گسترش یافت؛ اما در ادامه این گسترش، توجه ویژه به نقش فضاهای جرم خیز یا بی دفاع در وقوع خشونت یا جرایم در کارهای جرم‌شناسان محیطی، طراحان شهری، جامعه‌شناسان، روانشناسان و به‌خصوص روانشناسان محیطی و دیگر رشته‌های مطالعاتی مرتبط با جرایم و خشونت با دو رویکرد متفاوت دنبال شد که هر رویکرد در مطالعه رابطه فضاها یا محیط با جرایم بر نظریه‌های خود پافشاری می‌کردند (تیمویی، ۲۰۰۹: ۱۷۶).

### نظریه بوم‌شناسی شهری

دیدگاه بوم‌شناسی شهری، صحنه شهری را محل تنازع بقا و جای‌گیری مناسب‌تر در بهترین فضای شهری تحلیل می‌کند (پیران، ۱۳۸۸: ۲۲). در نظریه بوم‌شناسی شهری، اثر حاشیه‌نشینی بر میزان جرم و جنایت بیان شده است (هارالمبوس، ۱۹۹۰: ۵۹۵). هنگامی که از اکولوژی یا روابط انسان با مکان و مسکن سخن می‌رود، تنها به جنبه مکانی این روابط توجه نمی‌شود، بلکه از تغییرات و تحولاتی که در روابط انسان و محیط مسکونی او نیز رخ می‌دهد، بحث می‌شود. به طور کلی، بوم‌شناسان پنج مرحله عمده بوم‌شناختی در شهرها را تشخیص دادند: تراکم، تمرکز، تمرکز زدایی، انشعاب و تهاجم (کوهن، ۱۹۹۲: ۲۳۲).

نظریه پردازان دیدگاه بوم‌شناسی استدلال می‌کنند که اندازه جمعیت، تراکم اجتماعی و سکونت و ناهماهنگی اجتماعی در ارتباط با زندگی شهری، منجر به تخریب حمایت‌های اجتماعی و روابط نزدیک و جایگزین آنها با سازوکارهای رسمی، کنترل رسمی و غیرشخصی و سازمان‌های بوروکراتیک می‌شود. براساس این دیدگاه، زندگی در نواحی کلان‌شهرها به بی‌برنامگی، آشفتگی، ناهنجاری و خصایصی چون: ضعف پیوندهای اجتماعی و از بین رفتن حمایت‌های اجتماعی منجر می‌شود. زندگی در این محیط‌ها به فشارهای فیزیکی و روانی برای مهاجران می‌انجامد؛ به طوری که به آنها احساس از خودبیگانگی و جدایی دست می‌دهد. بنابراین چنانچه این مدل روی دهد، مهاجران در محیط‌های شهری به طور قابل توجهی با چالش‌هایی در حفظ سلامت روانی و فیزیکی روبه‌رو می‌شوند؛ به گونه‌ای که نظام حمایت اجتماعی برای آنها ضعیف می‌شود.



به باور پارک و برگس ( ۱۹۲۸ )، اقلیت های قومی هنگامی که با نام مهاجر وارد کلان شه رها می شوند، از فرهنگ همگن خود جدا شده و با نام یک خرده فرهنگ در گروه بندی های ساکنان شهری جای می گیرند. فرایند تبدیل گروه های اقلیت به گروه های خرده فرهنگی همراه با پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین، ساکنان این منطقه را مستعد رفتار انحرافی می کند. سکونت در زاغه نشین های شهر، موجب پیدایش خرده فرهنگ بزه کارانه شده و به شیوع جرم، اعتیاد، خشونت و بزه کاری منتهی خواهد شد (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۶).

### آنومی یا بی‌هنجاری

دورکیم اولین کسی بود که مفهوم آنومی یا نابسامانی را وارد جامعه شناسی کرد. این اصطلاح مشتق از واژه‌ی یونانی آنومی به معنای بی‌قانونی است، که تلویحاً دال بر تبهکاری، بی‌حرمتی، بی‌عدالتی و بی‌نظمی است. این واژه نخستین بار در قرن شانزدهم وارد زبان انگلیسی شد و در قرن هفدهم به معنای بی‌اعتنایی به قوانین شرعی به کار رفت. در زبان فرانسه این اصطلاح در آثار ژان - ماری گویوبا معنایی مثبت مورد استفاده قرار گرفت. گویو که ضدکانتی بود، چشم به آینده‌ای آرمانی داشت که در آن آنومی اخلاقی - یعنی فقدان قواعد مطلق، عام و ثابت - و آنومی دینی موجب آزاد شدن قضاوت هر فرد از بند همه‌ی ایمان‌های جزمی شود.

سرگذشت جامعه‌شناختی واژه‌ی آنومی از آثار امیل دورکیم آغاز می‌شود. دورکیم منتقد افکار گویو بود؛ اما این واژه را از او اقتباس کرد و ابتدا در تقسیم کار در جامعه (دورکیم، ۱۸۹۳). سپس در خودکشی (۱۸۹۷)، دوباره معنایی منفی به آن داد. بعدها، در دهه ۱۹۳۰، این واژه مورد استفاده‌ی رابرت مرتون قرار گرفت و سپس در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رواج زیادی بین آن دسته از جامعه‌شناسان امریکایی پیدا کرد که درباره خودکشی و جرم و کج‌روی مطالعه می‌کردند از آن به بعد واژه بی‌هنجاری دلالت بر خصوصیات شخصی یا مجموعه نگرش‌هایی می‌کرد (به نحو فزاینده‌ای غیرقابل تشخیص و تمیز از بیگانگی) که برای اندازه‌گیری و سنجش آن مقیاس‌های متعددی طراحی شد. سپس چون این واژه کاربرد بسیار گسترده‌تری در میان جامعه‌شناسان پیدا کرد، معنایی روزبه‌روز نامعین‌تر و مبهم‌تر یافت و با رواج در میان روان‌شناسان کم‌کم دچار «روان‌شناسی‌زدگی» هم شد و از نظریه‌های کلی‌تر درباره‌ی جامعه دور شد. داستان استحاله این واژه از زمان دورکیم تا مرتون و پس از او بسیار جالب است. همان‌طور که بسنار می‌گوید، دورکیم

آنومی را «به مثابه حالتی از نظام اجتماعی تعریف می‌کرد، ولی بعدها این واژه به وضعیت فرد کنش‌گر، و حتی به نگرش‌ها یا وضع ذهنی فرد اطلاق شد». علاوه بر این، مفهوم دورکیم که انتقادی بود از جامعه‌ی صنعتی، به مفهوم محافظه‌کارانه‌ای تبدیل شد که حاکی از نقص و نارسایی در سازگار شدن با نظم اجتماعی بود. دورکیم در تقسیم کار «شکل آنومیک» تقسیم کار را «غیر طبیعی» به شمار می‌آورد. در این‌جا مقصود دورکیم فقدان مجموعه قواعدی است برای هدایت روابط میان نقش‌ها و کارکردهای اجتماعی؛ دورکیم انتظار داشت این وضع در بحران‌های صنعتی و تجاری و در تضاد میان کار و سرمایه دیده شود؛ و علت اصلی آن نیز در سرعت وقوع صنعتی شدن نهفته بود، به نحوی که «منافع و علایق متعارض فرصت کافی برای نیل به تعادل و موازنه نداشته‌اند». همراه با گسترش بازار و پیدایش صنایع عظیم، رابطه میان کارفرمایان و کارگران تغییر شکل می‌یابد. شهرنشینی موجب افزایش نیازهای کارگران شد. با گسترش ماشین‌آلات و قرار گرفتن کارخانه‌های صنعتی به جای کارگاه‌های کوچک، کارگران در دسته‌های منظمی گروه‌بندی می‌شوند و از خانواده و کارفرمایان‌شان دور می‌افتند. سرانجام کار معنای خود را از دست می‌دهد و کارگر را به نقش یک ماشین فرومی‌کاهد که نمی‌داند آن‌چه انجام می‌دهد به کجا منتهی می‌شود (دور کیم، ۱۸۹۳: ۶-۳۵).

در خودکشی، بی‌هنجاری یکی از علل اجتماعی خودکشی و وضعی اجتماعی است که به تبع آن نرخ خودکشی افزایش می‌یابد. بی‌هنجاری وضعی است فاقد کنترل و نظارت و در آن هیچ لگامی برای مهار سودها و تمنیات فرد باقی نمی‌ماند. دورکیم دو نوع بی‌هنجاری را از هم تمیز می‌داد، بی‌هنجاری اقتصادی و بی‌هنجاری زناشویی. بی‌هنجاری اقتصادی به معنای فروپاشی چارچوب هنجاری پذیرفته‌شده‌ای است که چشم داشت‌ها را تثبیت می‌کند؛ این بی‌هنجاری در بحران‌های اقتصادی، خواه دوره‌های شکوفایی و رونق و خواه رکود و کساد، آشکار می‌شود. ولی دورکیم این بی‌هنجاری را در جوامع معاصر و در حوزه‌ی صنعتی و تجاری، مزمن و دیرپا می‌دانست و ناشی از تضعیف کنترل‌های دینی، سیاسی و شغلی و نیز رشد بازار و ایدئولوژی‌های ستایش‌گر ثروت اندوزی و تملک و سودای آرزوهای بی‌پایان که هر روز به عنوان نشانه‌ی تشخیص اخلاقی ستایش می‌شود و بی‌قاعدگی را به قاعده تبدیل می‌کند، قاعده‌ای که قربانیانش از آن در عذاب‌اند. بی‌هنجاری زناشویی نیز از نظر دورکیم مرض مزمنی بود، حاصل تضعیف قدرت کنترل چارچوب هنجاری پذیرفته شد. در زمینه زناشویی که میل و شهوت جنسی را اداره و هدایت می‌کرد. به نظر او طلاق هم تجلی و هم علت نیرومند این بی‌هنجاری زناشویی است. در مفهوم آنومی رابرت مرتون دیدگاه دورکیم درباره ماهیت بشر یا برنامه‌ی او برای تشخیص بیماری‌ها و آسیب‌های اجتماعی و فردی ناشی از رشد سریع سرمایه‌داری صنعتی جایی ندارد. از نظر مرتون، بی‌هنجاری به معنای فروپاشی ساختار

فرهنگی است و خصوصاً هنگامی رخ می‌دهد که بین هنجارها و اهداف فرهنگی و ظرفیت‌های ساخت‌یافته اجتماعی که به اعضای گروه امکان عمل طبق این اهداف و هنجارها را می‌دهد، شکاف فاحشی وجود داشته باشد. مرتون معتقد بود که، در جامعه معاصر ایالات متحده امریکا آرزوی موفقیت (حتی اگر یکسره بر حسب مادیات نباشد) به همگان تلقین می‌شود. فشار و تنش ساخت‌یافته اجتماعی، یا همان آنومی، در جایی به وجود می‌آید که، ابزارهایی که نهادها برای نیل به موفقیت مجاز می‌شمرند در دسترس نباشد. برای سازگار شدن با این فشار و تنش چهار راه وجود دارد، البته غیر از هم‌نوایی با اهداف و ابزارهای نهادی شده. هر چهار شیوهی انطباق با آنومی صورت‌هایی از کجروی محسوب می‌شود، بدعت‌گذاران (مثل سارقان حرفه‌ای، مجرمان اداری، تلقب‌کنندگان در امتحانات) به اهداف وفا دارند ولی زیر بار ابزارها و روش‌هایی نمی‌روند که به لحاظ هنجاری توصیه و تجویز می‌شود. مناسک‌پرستان (مثل بوروکرات‌هایی که برده‌وار از قواعد و دستورات اطاعت می‌کنند بدون آن‌که توجهی به اهداف آن‌ها داشته باشند) پای‌بندی تمام‌عیار به هنجارهای نهادی شده را فضیلت می‌دانند بی‌آن‌که تعهدی به اهداف توصیه شدهی فرهنگی داشته باشند. عزلت‌گزین‌ها (مثل ولگردها، دائم‌الخمرها و معتادان) با دست کشیدن از اهداف و وسایل کاملاً از میدان رقابت بیرون می‌روند. شورش‌ها (مثل اعضای جنبش‌های انقلابی) به نظام اجتماعی و فرهنگی که آن را ناعادلانه می‌دانند هیچ عقیده و التزامی ندارند و در پی از نو ساختن جامعه‌اند با هدف‌هایی جدید و راه و روش‌هایی جدید برای دستیابی به آن هدف‌ها این توجه و تمرکز بر اهداف و هنجارهای فرهنگی و عدم امکان تحقق مشروع آن‌ها، برای چندین دهه برنامه‌ی پژوهش درباره‌ی کجروی را تعیین می‌کرد. با این حال همان‌طور که بسنار دریافته است، آنومی به این مفهوم، در عمل برعکس مفهوم دورکمی است، زیرا در حالی که دورکیم به علت گسترش افق امکانات پیش‌روی افراد آن‌ها را سردرگم و بلا تکلیف می‌دانست، مرتون فرض را بر این می‌گذارد که کنش‌گران درباره اهدافی که می‌خواهند به آن‌ها برسند مطمئن هستند، اما آرزوها و خواسته‌های آنها به موانعی برخورد می‌کند که امکان موفقیت‌شان را محدود می‌کند (اوتویت و همکاران، ۱۳۹۲).

### حاشیه‌نشینی یا گتو

واژه‌ای است که اولین بار در سال ۱۶۱۱ در ونیز به کار گرفته شد، ولی اگر به دنبال سیر حاشیه‌نشینی در طول تاریخ باشیم به قدمتی کهن‌تر از ونیز به دوران ساسانیان می‌رسیم، جایی که اسیران جنگی را در مراکز جدا از مردم در حاشیه شهرها سکنی می‌دادند. در تاریخ اسلام هم گتوهای یهودی‌نشین چون خیبر، بنی‌نضیر و بنی‌قینقاع وجود داشت. در سال ۱۱۱۹ شورای کلیسا زندگی مسیحیان را در میان یهودیان ممنوع کرد که موجب ایجاد گتوهای یهودی‌نشین در اطراف شهرهای بزرگ اروپایی شد. در ایران نیز سابقه حاشیه‌نشینی جدید به سال ۳۲ (سال کودتای آمریکایی) می‌رسد، اما قطعاً اوج حاشیه‌نشینی با آغاز اصلاحات ارضی هم‌زمان است. در این زمان نخستین اجتماعات آلونک‌نشین در کوره‌های آجرپزی جنوب تهران شکل گرفتند، تا نیروی انسانی ارزان برای تأمین مواد اولیه شهر رو به رشد تهران فراهم شود. اما به‌طور کلی می‌توان شروع تاریخچه حاشیه‌نشینی مدرن در ایران را این‌گونه بیان کرد: گسترش تأسیسات شهری و افزایش درآمد حاصل از نفت، عامل ایجاد جاذبه شهری و رونق شهری شده است که این امر در کنار اصلاحات ارضی و مکانیزاسیون عوامل اصلی بروز حاشیه‌نشینی در ایران شد. اما قطعاً اصلی‌ترین عامل بروز حاشیه‌نشینی در ایران اصلاحات ارضی بود (رسولی، ۱۳۹۱).

### مفهوم حاشیه‌نشینی از دیدگاه امنیتی

در نگرش حقوقی و امنیتی، حاشیه‌نشینی یکی از پدیده‌های مستعد رشد نابهنجاری اجتماعی، و به تعبیر کارشناسان، خطری پنهان است که وجود دارد و پیوسته بشدت، امنیت شهرها و شهروندان را در مخاطره می‌اندازد؛ اما هیچ‌گونه ناامنی ذهنی ایجاد نمی‌کند. این پدیده، خطری بالفعل است که به آن خوکرده و با تهدیدات آن انس یافته‌ایم؛ چون تدریجی، و معلول توسعه‌یافتگی است. حاشیه‌نشینی از یک‌سو حاشیه امن مجرمان و بزه‌کاران است و از سوی دیگر حاشیه ناامن شهروندان به شمار می‌رود. در این میان قربانیان واقعی، انسان‌هایی هستند که برای ادامه حیات و بقای خود از همه توان خویش به هر بهایی بهره گرفته‌اند. این سکونتگاه‌ها پذیرای ناهنجاری‌ها و برانگیزاننده آسیب‌های اجتماعی است که گاه در استدلالی وارونه، همان علت پیدایش این سکونتگاه‌ها قلمداد می‌شود (مرادی و خلج زاده، ۱۳۹۶).

**امنیت شهری:** امنیت شهری به معنای فراغت از هرگونه تهدید و تعرض نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی شهروندان، و از سه لایه اصلی و متکامل تشکیل شده که عبارت است از: امنیت فردی، امنیت اجتماعی و امنیت ملی (کارگر، ۱۳۸۶).

**بحران:** بحران وضعیتی است که در آن، واحد تصمیم‌گیرنده، نسبت به ارزش‌های حیاتی خود احساس تهدید جدی می‌کند. بروز تهدید با نوعی غافلگیری همراه است و زمان لازم برای تصمیم‌گیری و نشان دادن واکنش محدود است و پاسخگویی به تهدید، مستلزم به‌کارگیری انرژی و سرمایه بیشتر از میزان مشابه آن در وضعیت عادی است. بحران به وضعیتی اطلاق می‌شود که با تهدید شدید، عدم قطعیت و احساس فوریت همراه است و طیف وسیعی از پدیده‌ها مانند فجایع طبیعی و فناوری، ستیزها، آشوب‌ها و اقدامات تروریستی می‌تواند در این تعریف جای گیرد. بحران، ابعاد و جوانب مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و عوامل ایجادکننده آن متفاوت است (حسینی، ۱۳۹۳).

سیمون چمپن، هشت ویژگی را برای مناطق حاشیه‌نشین و موارد مشابه آن به این شرح برمی‌شمارد:

۱. عموماً غیرقانونی هستند
۲. غالباً خلق‌الساعه هستند و از مواد و مصالح مختلف ساخته شده‌اند
۳. معمولاً به وسیله خود ساکنان احداث شده‌اند
۴. فاقد خدمات شهری، مانند راه آسفالت، برق و سامانه دفع فاضلاب هستند
۵. توسعه آن‌ها بدون برنامه‌ریزی و اغلب به صورت اتفاقی صورت می‌گیرد
۶. مکان‌گزینی آن‌ها اغلب در لبه‌های شهری، حواشی خطوط آهن و بزرگراه‌ها و یا زمین‌های خالی از سکنه‌ای صورت می‌گیرد که در مشاوری مناطق مرکزی شهرها قرار دارند
۷. معمولاً در مناطق نامناسب شهری (مانند زمین‌های ناهموار، حواشی کارخانه‌های، در مشاوری زمین‌های رهاشده و بلااستفاده) تشکیل می‌شوند
۸. جمعیت متراکم دارند که متشکل از خانواده‌های پرجمعیت است. پیامدهای اجتماعی حاشیه‌نشینی: هویت قومی، پایبندی به سنت‌ها، نداشتن تخصص، بی‌سوادی و کم‌سوادی، درآمد کم و به ویژه فرهنگ مستقل حاشیه‌نشینی، منشأ و محل تجمع کودکان فراری، کودکان خیابانی و کارتن‌خواب‌ها، گروه‌گرایی و قوم‌گرایی شدید، فرهنگ قانون‌گریزی و همکاری باهم در فرار از قانون و همکاری نکردن با مأموران نیروی انتظامی و مأموران دولت (مرادی و خلج زاده، ۱۳۹۶).

### پیشینه پژوهش (تحقیقات داخلی)

علیزاده (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر مطالعه‌ای حاشیه‌نشینی بر نظم و امنیت اجتماعی و راهکارهای مؤثر در کنترل و پیشگیری از آن» با روشی توصیفی و با بهره‌گیری از منابع اسنادی، در ابتدا با نگاهی به سیر تحول‌های حاشیه‌نشینی در ایران و ارائه تعاریف از حاشیه‌نشینی،

به تبیین تأثیرهای گسترش روزافزون حاشیه‌نشینی بر امنیت اجتماعی کلان‌شهرها می‌پردازد. نتیجه نهایی پژوهش، ارتباط مستقیم و معنادار میان جرم و بزه‌کاری را با افزایش مناطق حاشیه‌نشان می‌دهد. مهم‌ترین راهکار کاربردی پژوهش نیز، تغییر نگاه مسئولان از توجه به معلول‌ها به علت‌ها بود و اینکه برنامه‌ریزی علمی جایگزین برنامه‌ریزی مقطعی گردد.

امیری (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای با عنوان مطالعه آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی در منطقه ۱۹ شهرداری تهران از دیدگاه مدیران شهری به شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی از دیدگاه ۲۰ نفر از مدیران شهری می‌پردازد. نتایج پژوهش که حاصل گردآوری اطلاعات به روش پیمایشی بودند، حاکی از این واقعیت است که بیکاری، اعتیاد و تکدی‌گری، مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی می‌باشند و در مجموع، مسائل خانوادگی و اقتصادی، مهم‌ترین آسیب‌های ناشی از حاشیه‌نشینی در این منطقه هستند.

شیبانی (۱۳۹۰) در پژوهش دیگری تحت عنوان اسکان غیررسمی، علل پیامد و راه‌حل‌ها؛ مورد مطالعه شیرآباد زاهدان، با روش توصیفی تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و در نهایت، تجزیه و تحلیل این داده‌ها با شاخص‌های آمار توصیفی مانند میانگین به این نتیجه می‌رسند که ۸۹ درصد حاشیه‌نشینان را روستاییان فقیر تشکیل می‌دهند که عمده ویژگی‌های این مردمان درآمد اندک، بیکاری، داشتن مشاغل غیررسمی، تراکم خانوار، تعداد زیاد خانواده، جوانی جمعیت، کم‌سواد و وضعیت نامناسب مسکن می‌باشند. راهکار اصلی پژوهش هم، مبتنی بر چاره‌جویی و حل مشکل‌ها از مبدأ، یعنی روستاهاست.

حیدری (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی و بازتاب‌های آن با تأکید بر کاربری خدمات شهری (مورد: شهر یزد)، به بررسی علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در ارتباط با شاخص‌های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، تجاری، ورزشی و بازتاب‌های ناشی از آن در شهر یزد پرداخته است، با توجه به ضریب پراکندگی کاربری‌ها و خدمات شهری که در محلات حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین وجود دارند، چنین استنباط می‌شود که شاخص‌های یادشده، به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در حاشیه‌نشینی محسوب می‌شوند همچنین میزان اعتبار همبستگی بین عدم توسعه‌یافتگی و حاشیه‌نشینی معنادار محاسبه شده است.

بهرامی (۱۳۸۷) در تحقیق خود با عنوان عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی و تأثیرات آن بر امنیت اجتماعی شهر سنندج، با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی و رویکرد کمی - کیفی (مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه) به این نتیجه می‌رسد. که مناطق حاشیه‌نشین سنندج بیش از ۴۲ درصد جمعیت شهری و ۱۳ درصد از فضای مسکونی شهر را تحت اشغال دارند. از نظر جرائم هم، بیشتر معتادان و جرائم سازمان‌یافته و فعالیت‌های غیرقانونی شهر در این بخش روی می‌دهند. وی اعطای

وام‌های کم‌بهره و بلندمدت به همراه جلب مشارکت حاشیه‌نشینان را بهترین راهکار برای حل معضل حاشیه‌نشینی شهر سنندج می‌داند.

کارگر (۱۳۹۴) در مقاله دیگر تحت عنوان «تأثیرات حاشیه‌نشینی بر امنیت شهری»، با انجام تحقیق به روشی توصیفی و جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای به این نتیجه می‌رسد که حاشیه‌نشینی به عنوان مهم‌ترین معضل کلان‌شهرها است باید چاره‌جویی آن به‌طور جدی و فوری در دستور کار مدیران توسعه شهری قرار گیرد، چراکه ادامه این روند تبعات منفی زیادی دارد که متن شهرها را تهدید می‌کند و توسعه و پیشرفت آن‌ها را غیرممکن می‌سازد.

### تحقیقات خارجی

الدیرینگ و نورث (۲۰۰۷) به بررسی حاشیه‌نشینی جوانان مهاجر و عوامل خطر در زندگی روزمره آن‌ها در اروپای غربی پرداخته‌اند. این تحقیق بیان می‌کند که جوانان مهاجرنشین، نسبت به جوانان بومی بیشتر در خطر هستند. همچنین مشکلات و مسائل خانواده‌های مهاجر در اروپای شمال غربی، به ویژه جوانان مهاجر را که مواجه با اولین دوره پس از مهاجرت هستند نشان می‌دهد. یافته‌های این پژوهش بیان می‌کند که خانوارهای مهاجر، به محض رسیدن به مقصد، دچار تعارض و ناهمگونی فرهنگی می‌شوند (امید مبارکی و همکاران، ۱۳۹۶)

مدل ویلسون (۲۰۱۰) ویلسون در تحقیقات خود بیان می‌کند که فقدان تولیدات دستی و اشتغالی با مهارت پایین و همچنین مهاجرت‌های پشت سر هم کارگران و خانواده‌های طبقه متوسط، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فردی و بوم‌شناختی دارد و از نظر اقتصادی، نظری و شهری، دسترسی کمتری به فرصت اقتصادی رسمی دارند. از نظر فرهنگی این افراد به دلیل ارزش‌های کاربردی برای موقعیت اجتماعی آتی، از ارزش‌های اساسی دست می‌کشند. مناطق حاشیه‌ای از نظر بوم‌شناختی، به انزوای اجتماعی گرفتار شده‌اند؛ به طوری که دقیقاً به صورت مرکز نامتناسب و به هم ریخته‌ای از برش‌های معیوب جمعیت شهری درآمده‌اند که بیشتر با انسان‌هایی که موقعیت مشابهی دارند و کمتر نمایانگر جمعیت گسترده پایتخت هستند، ارتباط دارند و از نظر فردی نیز کمتر در معرض مستقیم امکانات متفاوت برای رشد فردی قرار می‌گیرند. طبق مطالعات ویلسون، نوجوانان شهری. از نواحی کم درآمد با جوانان گتوها، کمتر در معرض یک موازنه بین سازمان‌بندی اجتماعی و نابسامانی اجتماعی هستند.

مانوئل کاستلز (۱۹۱۱) درباره گروه‌های حاشیه‌نشین در کشورهای درحال توسعه می‌گوید: شهرنشینی با آهنگ شتابنده‌ای گسترش می‌یابد، درحالی‌که امکانات اشتغال مولد برای جمعیت

تازه‌واردان (مهاجران) فراهم نیست، امکانات و تسهیلات زیربنایی، فرهنگی اجتماعی و فیزیکی، سکونتگاه‌ها و محله‌های نامتعارف از قبیل زاغه‌ها و آلونک‌های حاشیه‌ای که از طریق مهاجران تازه‌وارد و تهی‌دست برپا شده، به شیوه خودرو و خودساز به وجود می‌آیند. در نهایت، وی حاشیه‌نشینی را مولود نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و شهرنشینی ناهمگون و انتقال فقر روستایی به فقر شهری می‌داند (امید مبارکی و همکاران، ۱۳۹۶).

مدل کلیفورد شاو (۲۰۱۲) پژوهشی که توسط کلیفورد شاو صورت گرفته که جرائم شهری تحت تأثیر فضای مناطق خاص شهری می‌داند. وی با اخذ آمار و اطلاعات مناطق خاص شهر، از دادگاه و پلیس به مناطقی رسید که ویژگی‌های حاشیه‌نشینی داشتند و به گتو معروفند، یافته‌های اصلی پژوهش عبارتند از: ۱- به‌طور کلی بزه‌کاران مناطق حاشیه از حیث ضریب هوشی و شخصیتی با بزه‌کاران مناطق دیگر، تفاوت معناداری ندارند. ۲- در مناطق حاشیه‌ای، سنت‌های عرفی، نهادهای محله‌ای و افکار عمومی که از طریق آن‌ها محله‌ها، رفتار افراد را کنترل می‌کنند، به‌طور عمده از هم فروپاشیده‌اند. ۳- مناطق حاشیه‌ای، فرصت‌های متعددی را برای فعالیت مجرمان از جمله خرید و فروش مواد مخدر، اموال مسروقه، مشروبات الکلی، اعمال خرابکارانه و متجاوزانه و منافی عفت و غیره در اختیار مجرمان قرار می‌دهند. ۴- فعالیت‌های بزهکارانه در این مناطق از همان سنین کودکی به عنوان بخشی از بازی‌ها شروع می‌شوند.

### روش تحقیق

روش پژوهش با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، مانند پایان‌نامه‌ها، کتب، مقالات، مجلات، نشریه‌ها و نمایه‌های نوشته شده در این زمینه است و سعی شده است نگاهی جامع به موضوعات اسکان غیررسمی و شناخت راهکارهای پیشگیری از این مسئله شود. با استفاده از این روش مبانی نظری درباره متغیرهای اصلی پژوهش جمع‌آوری شد.

### مناطق حاشیه‌نشین کرج

مناطق حاشیه‌نشین کرج به مناطقی اطلاق می‌شود که بر اساس معیارهایی از قبیل سطح اشغال، قیمت زمین، قدمت محله، کیفیت اراضی بستر به منظور سکونت، امکانات ورزشی و تفریحی، استفاده از مصالح بی دوام و شیوه ساخت ناپایدار، وضعیت بهداشت محیط، سیمای عمومی محله، ساخت‌وساز غیرقانونی و خارج از برنامه، شناسایی و ساخته می‌شود. کرج با توجه به آمار و اطلاعات و بررسی‌ها،



معیشتی با ویژگی‌های سکونتگاه‌های غیررسمی دارد که این محلات عبارت است از : صوفی آباد، سهرابیه، حسین‌آباد افشار، حسن‌آباد، حیدرآباد، اخترآباد، قلمستان، ترک آباد، حصار پایین، خط چهار حصار ( حصار بالا )، حصارک بالا، حصارک پایین، کشک نو، خلج آباد، ملک‌آباد، چنارک و بیدار چشمه، ده کلاک بالا، محمودآباد، سپیددشت و اسکویی می‌باشد (علی پور، ۱۳۹۳).



### ویژگی مناطق حاشیه‌نشین

واحدهای مسکونی رو به ویرانی، فرسوده با تجهیزات ناقص؛ تسلط فرهنگ فقر و انعکاس آن در رفتارهای اجتماعی مردم، فقر اقتصادی مردم، ایجاد مرزهای پردوام ر اطراف محله و جدایی‌گزینی مردم از سایر طبقات شهری، گوشه‌گیری مردم از همه جریانات شهری، عدم توجه و بی‌اعتنایی سازمان‌های مسئول به احتیاجات محله، در اغلب موارد در ترکیب جمعیت حاشیه‌نشین، سهم مهاجرین روستایی زیاد است زاغه‌های شهری عمر بسیار طولانی دارند، اما حاشیه‌نشینی در یکی دو سال اخیر به وجود آمده است، حاشیه‌نشینان شهری مناطقی را جهت ایجاد ساختمان انتخاب کرده‌اند که به هنگام اشتغال، نظارت اجتماعی و قانونی بر این مناطق وجود دارد، منافع مشترک ساکنین را به هم پیوند می‌دهد و الگوهای مشترکی بر روابط اجتماعی و اقتصادی ساکنین حاکم است. در ساختن محیط مسکونی خود و در برابر عملیات تخریب، روحیه‌ای بسیار قوی جهت

همکاری دارند و به افراد غیر ساکن اعتماد نداشته و در مسائل خود، آن‌ها را شرکت نمی‌دهند، ناهنجاری‌های اجتماعی به لحاظ از بین رفتن ارزش‌های انسانی در حاشیه شهرها، سریع پرورش یافته و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق و فحشا در آن بیس از متن اصلی شهر دیده می‌شود (ایراندوست، ۱۳۸۸).

تأثیرگذاری سکونت‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینی بر ارتکاب جرائم اجتماعی در استان البرز قطعاً در وقوع جرم محیط اعم از محیط اجتماعی و محیط زندگی تأثیر بسزایی دارد. و این امر به اثبات رسیده و در حال حاضر، جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و حقوقدانان آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند و نظریات و نتیجه تحقیقاتی که انجام شده، مبین تأثیرگذاری محیط در وقوع جرائم می‌باشد. اعمال مجرمانه یا بزهکارانه در بعد از شکل‌گیری حاشیه‌نشینی که در زیر به آن‌ها اشاره شده است (مسعودی فرضا، ۱۳۹۶):

۱- سرقت: سرقت از جمله جرائم علیه اموال است و جرم‌شناسان عللی را برای آن برشمرده‌اند از جمله فقر و نیاز مالی، بیکاری، اعتیاد، انتقام‌جویی و کینه و حسد. بیشتر علل یادشده را می‌توان در مناطق حاشیه‌نشین مشاهده نمود. در بیشتر موارد این افراد در محله‌ای مرفه‌نشین، یا متوسط شهر اقدام به سرقت می‌نمایند. در مناطق حاشیه‌نشین سرقت برق، آب و گاز و تلفن نیز شایع است. چون این مناطق خصوصاً در مراحل اول شکل‌گیری آن فاقد خدمات فوق هستند به نحوی از انحاء و با انجام سیم‌کشی‌ها و لوله‌کشی‌های پنهانی اقدام به سرقت آب، برق، گاز و تلفن از نزدیک‌ترین محل ممکن (اعم از مسکونی، صنعتی، تجاری و خدماتی) می‌نمایند.

۲- قتل عمد: تعارض خرده‌فرهنگ‌ها، خصومت و اختلافات دیرینه، سودجویی و تحصیل اموال، جریحه‌دار شدن غیرت و آبرو و نزاع‌های اتفاقی و اعتیاد از جمله علل وقوع قتل می‌باشد. این علل و عوامل به‌روشنی در مناطق حاشیه‌ای قابل‌رؤیت است. بیشتر قتل‌های اتفاق افتاده یا در این مناطق صورت می‌گیرد یا توسط کسانی که در این مناطق زندگی کرده‌اند به وقوع می‌پیوندد.

۳- نزاع‌های دسته‌جمعی: از جرائم شایع در مناطق حاشیه‌ای می‌باشد چون ساکنین این مناطق معمولاً مهاجرین از روستاها و ایل‌ها هستند و معمولاً در یک محل و در نزدیک هم سکنی می‌گزینند و در مواقعی به سبب درگیری‌های جزئی حادث شده بین دو نفر و حتی کودکان نزاع‌های دسته‌جمعی شدیدی که معمولاً منجر به کشته و زخمی شدن عده‌ای از منازعه‌کنندگان می‌شود، رخ می‌دهد.

۴- تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط‌زیست: ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر داشته است: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود، از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه مطابق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد». در مناطق حاشیه‌نشینی، فاضلاب منازل در کوچه‌ها رها شده، جدول‌کشی و کانال‌کشی مناسبی جهت هدایت این آب‌های کثیف وجود ندارد و این آب‌ها در سطح کوچه‌ها در جریان است. خدمات شهری مثل جمع‌آوری و دفع زباله به آن شکلی که در داخل شهرها وجود دارد در این مناطق دیده نمی‌شود و در برخی از منازل احشام نگهداری می‌شود و فضولات آن در منزل و محله منتشر می‌شود. کشتارهای غیرمجاز و غیربهداشتی در این مناطق، صورت می‌گیرد و همه این موارد از مصادیق جرم تهدید علیه بهداشت عمومی و محیط‌زیست می‌باشد که قابل تعقیب کیفری هستند. همچنین تخلفات بهداشتی که در اماکن عمومی مناطق حاشیه‌ای، مثل مغازه‌ها و نیز آلودگی‌های صوتی و آلودگی هوا که در این مناطق مشهود است نیز از همین نوع می‌باشد.

۵- اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی: توزیع مواد مخدر در این مناطق به راحتی امکان‌پذیر است و آن هم ناشی از احساس امنیتی است که توزیع‌کنندگان این مواد در آن مناطق دارند. و به لحاظ فقر علمی و آگاهی ساکنین این مناطق و بیکاری وسیع و جهت‌رهایی یافتن مقطعی از برخی فشارهای روحی و غیره، میل به استعمال مواد مخدر در این مناطق بیشتر می‌باشد. برخی از جوانان بیکار و حتی نوجوانان، شغل و حرفه خود را خرید و فروش مواد مخدر قرار داده‌اند و یا مکان و وسایل استفاده از آن را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند و از این راه به کسب سود ناآیند می‌آیند. (پورقاسم و یوسفی، ۱۳۹۶).

۶- طلاق: بزرگ‌ترین آسیب حاشیه‌نشینی طلاق می‌باشد طلاق شوم‌ترین سرنوشتی است که ممکن است برای یک خانواده رقم بخورد. با این وجود گاه‌گیزی از آن باقی نمی‌ماند. با طلاق رشته ازدواج میان زن و شوهر قطع می‌شود و از آن پس برای باز کردن گره علقه میان آن دو باید برخی اقدامات انجام شود (کریمی، ۱۳۹۶).

کلان‌شهرهای ایران نیز به ویژه استان البرز و شهرستان کرج به‌طور جدی و تنگاتنگی درگیر با مسئله حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن است. راه‌حل برون رفت از مشکلات و آسیب‌های ناشی از آن مستلزم شناخت علل و پیام‌های این معضل است. مهاجرت، اصلی‌ترین دلیل حاشیه‌نشینی در شهر کرج است، پس از اصلاحات ارضی و جنگ تحمیلی جمعیت مهاجر از سراسر کشور به ویژه استان‌های غربی، بنا به دلایلی اعم از بیکاری و جنگ‌زدگی به تهران مهاجرت کردند و به دلیل اینکه توان مالی کافی برای زندگی در تهران را نداشتند در حاشیه آن یعنی شهر کرج ساکن شدند؛ در حال حاضر نیز کرج پس از پایتخت مهاجرپذیرترین شهر ایران است. در کنار عامل مهاجرت عامل بالا بودن قیمت تمام‌شده زمین در هسته‌های اصلی شهر و همچنین بالا بودن اجاره‌بها چه در شهر تهران و چه در شهر کرج مهاجران سعی می‌کنند به حاشیه‌ی شهر و جایی که قیمت مسکن پایین‌تر است و در خانه‌های فاقد استانداردهای ایمنی و بهداشتی ساکن شوند اما برای کار و فعالیت به داخل شهر می‌روند، همچنین فقر فرهنگی و اجتماعی، بیکاری، عدم مدیریت صحیح گسترش فیزیکی شهر، اعتیاد از دیگر عوامل رشد و گسترش حاشیه‌نشینی در شهر کرج است. محیط اجتماعی و محیط زندگی بر رفتار و کنش افراد تأثیر می‌گذارد با توجه به اینکه بیشتر مجرمان در حوزه قتل، سرقت، اعتیاد، نزاع، قاچاق و دیگر انحرافات اجتماعی برخاسته از مناطق حاشیه‌نشین و اسکان غیررسمی است، شهر کرج نیز از این قاعده مستثنا نیست و در این نواحی افراد به دلیل بیکاری و کمبود درآمد به مشاغل کاذب و یا سرقت و انواع قاچاق روی می‌آورند یا اینکه کودکان را به ترک تحصیل و به دست‌فروشی وامی‌دارند، افزایش این پدیده کودکان کار، هم به نرخ بی‌سوادی و فقر فرهنگی می‌افزاید و هم اینکه بیشتر از گروه‌های دیگر در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی، مانند اعتیاد و جذب در گروه‌های مافیا و نزاع و درگیری‌های خیابانی قرار دارند و یا اینکه زنان و دختران برای تأمین هزینه‌های زندگی به طلاق و فساد کشیده می‌شوند و به دلیل فقر و اعتیاد دختران زودتر از سن قانونی با افراد فاقد صلاحیت ازدواج می‌کنند و دوباره زنجیره‌هایی از آسیب اجتماعی به همین شکل ادامه پیدا می‌کند. اعتیاد و طلاق از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی استان البرز است. رئیس سازمان تبلیغات اسلامی با اشاره به دغدغه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در رابطه با بررسی راهکارهای مبارزه با آسیب‌های اجتماعی در سطح کشور، گفت: مسئولان باید نسبت به شناسایی مناطق آسیب‌زا و تلاش در جهت رفع این آسیب، توجه بیشتری داشته باشند و در این راستا آمایش سرزمینی و تولید اطلاعات مناطق آسیب‌زا با توجه به داده‌های دقیق، لازم و ضروری است. باید با بهره‌گیری از داده‌های دقیق، نسبت به شناسایی مناطق آسیب‌زا در مناطق مختلف کشور، چه شهر و چه روستا، اقدام شود و خوشبختانه سازمان تبلیغات اسلامی در این زمینه به خوبی نفوذ کرده و

گزارش آن به‌طور مفصل، خدمت مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) رسیده است. بعد از آمایش سرزمینی و شناسایی مناطق آسیب‌زا باید تلاش کنیم که با ارائه طرح‌های فرهنگی و اجرایی کردن آن‌ها از میزان آسیب‌ها و معضلات اجتماعی در سطح کشور بکاهیم و همان‌طور که در تمام زمینه‌های امنیتی، علوم و فنون، فرهنگ و تمدن، بهداشت، مخابرات و هوا و فضا آمایش سرزمینی بسیار خوبی انجام شده است، باید در زمینه شناسایی و رصد دقیق مناطق آسیب‌زا نیز این اقدامات صورت بگیرد. رسیدگی به آسیب‌های اجتماعی در اولویت قرار گیرد، حجت‌الاسلام سید عباس مسعودی، در نشست شورای فرهنگی با مقام معظم رهبری اظهار داشت: پنج مورد از آسیب‌های اجتماعی، از قبیل اعتیاد به مواد مخدر، طلاق، حاشیه‌نشینی، سکونتگاه‌های غیررسمی، فساد و فحشا به عنوان مهم‌ترین عوامل معضلات اجتماعی در سطح کشور شناسایی و رصد شده و باید برای رفع این معضلات اقدامات جدی صورت بگیرد. یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها و معضلات فرهنگی در استان البرز، معضل حاشیه‌نشینی با توجه به وجود زندان‌های مختلف، به‌ویژه زندان بزرگ قزلحصار در این استان است که همین امر یکی از عوامل اصلی بروز پدیده حاشیه‌نشینی در این استان شده است؛ به همین منظور، تبلیغات اسلامی این استان باید با شناسایی و رصد دقیق این مناطق تلاش خود را در جهت رفع آسیب‌های اجتماعی انجام دهد. (مسعودی، ۱۳۹۶).

### نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش، حاکی از آن است که از دلایل بسیار مهم حاشیه‌نشینی در شهر کرج، در کنار توسعه ناهمگون، می‌توان به بیکاری، درآمد کم، پایین بودن اجاره‌بهای مسکن و مهاجرت گسترده از محیط‌های شهری کوچک و روستاهای اطراف، اشاره کرد. افزایش تعداد جمعیت با آهنگ رشد طبیعی خود و گرایش به شهرنشینی جمعیت، روندی است که در حال حاضر باعث بالا رفتن تعداد جمعیت شهرها به ویژه در شهرهای در حال توسعه شده است. بر اساس منابع موجود، سرعت این روند، یعنی گرایش به شهرنشینی در آینده، بیشتر خواهد شد. افزایش تصاعدی جمعیت شهرها سرانجام گریزناپذیری است که باید آن را به عنوان یک واقعیت پذیرفت. اما در این میان آنچه مهم به نظر می‌رسد، افزایش شهرنشینی با شهری شدن فقر، در این‌گونه شهرها همراه است. به طوری که عده‌ای از ساکنان شهر توان جذب در مجموعه شرایط بازار کار و اسکان قانونی و رسمی شهر را ندارند. لذا با روی آوردن به بازار غیررسمی و کاذب، موقت و ناپایدار به نیازهای زندگی خود در حد بخور نمیر، پاسخ می‌گویند. این دسته از افراد در مسکن و محیط‌های فیزیکی زندگی می‌کنند که از

داشتن حداقل امکانات زیستی شهری محرومند، این‌گونه سکونتگاه‌ها را حاشیه‌نشین یا غیررسمی می‌نامند.

حاشیه‌نشینی به عنوان مقوله‌ای چندوجهی بر بستری از تعاملات حاصل از تأثیر و تأثرات از مؤلفه‌های متعدد ظاهر می‌شود. حاشیه‌نشینی را می‌توان یک نوع محرومیت خواند. آنچه محرومیت‌ها را به وجود می‌آورد و موجب رشد روزافزون آن می‌شود، فراموش کردن اقشار ضعیف، در برنامه‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و ضعف مدیریت در تشخیص درست، به هنگام و ارائه‌ی راه‌حل مناسب و سودبخش برای آحاد جامعه می‌باشد، این پدیده یک مسئله‌ای اجتماعی است و برای درک آن باید دیدگاهی جامع‌نگر داشت. حاشیه‌نشینی یک معضل کلان‌شهری است که نشان‌دهنده ضعف در ساختار اجتماعی و فضاهای زندگی غیررسمی و نامتعارف شهری، بازتاب فضای بیمارگونه اقتصاد، مدیریتی شهری ضعیف، ناکارآمدی برنامه‌ریزی فضایی منطقه‌ای و بی‌عدالتی‌های اجتماعی اقتصادی در سطوح ملی، استانی و محلی است.

تحقیق حاضر نشان داد که، سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینی تأثیر بسزایی در به وجود آوردن معضلات و آسیب‌های اجتماعی، از جمله توزیع مواد مخدر، بیکاری و طلاق دارد، بنابراین با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه‌گیری کرد که سکونتگاه‌های غیررسمی موجب بروز مشکلات و به هم ریختگی بافت شهری در کلان‌شهر کرج می‌شود. بخشی از شخصیت افراد در جامعه، شکل می‌گیرد که از طریق یادگیری فراهم می‌شود. حال اگر جامعه بستر مناسب برای رشد افراد را فراهم نکند، عواملی همچون ایجاد فضای نامناسب باعث بروز و ظهور آسیب‌های اجتماعی از جمله طلاق، بزه‌کاری، روسپی‌گری، سرقت، خودکشی، جرائم مجازی خواهد شد. طلاق مانند هر پدیده نامطلوب اجتماعی، مولد چندین عامل است که بعضی از آن‌ها با ریشه‌های اجتماعی، فرهنگی و محیطی و برخی دیگر با بنیادهای شخصی، اعم از نارسایی‌های بیولوژیک و یا کمبود روانی جلوه‌گرند. تأکید بر اسکان سالم و رسمی و سلامت جسمی قبل از ازدواج؛ آموزش نحوه‌ی دوری از انحرافات مربوط به موضوعات و مسائل جنسی، مواردی است که هر زن و مردی قبل از ازدواج باید بدانند. وظیفه‌ی والدین، سازمان‌ها و نهادهای مختلف این است که این آگاهی را به فرزندان خود بدهند تا آن‌ها در خانواده با مشکل مواجه نشوند. بنابراین، آموزش مهارت‌های زندگی به ویژه مهارت‌های ارتباطی (کلامی - رفتاری) ضروری می‌باشد.

### پیشنهادها

- در کشور ما فقدان یک برنامه مدون در مواجهه با این معضل، مشهود است، مثلاً خانواده‌ها تلاش‌های زیادی برای سکنی دادن انجام می‌دهند و متأسفانه به جای ارائه خدمات و مجوز سازه‌های شهری، مبادرت به تخریب و یا مخالفت با ساخت درست می‌شود؛ بنابراین افراد با سازه‌های ناهمگون با بافت شهری زندگی می‌کنند.
- اجرای عدالت جغرافیایی در ارائه خدمات برای شهر و حاشیه شهر، روستا و عشایر لحاظ شود، مثلاً اعطای وام، امکانات بهداشتی، حتی ایجاد کارگاه‌ها و کارخانه‌های کوچک در روستاها و شهرک‌ها تا از مهاجرت آنان برای امرار معاش جلوگیری شده و چهره شهر جلوه زیبای خود را حفظ کند.
- باتوجه به نقش سکونتگاه‌های غیررسمی در آسیب‌های اجتماعی و به خصوص طلاق، پیشنهاد می‌شود، به‌طور جدی به مسائل فرهنگی این مناطق توجه ویژه در جهت آموزش مهارت‌های لازم در راستای پیشگیری از این‌گونه آسیب‌ها فراهم شود.
- نگاهی آگاهانه و دوراندیش، تلاش برای حفظ کانون خانواده و آرامش بخشیدن، حفظ صمیمیت و جلوگیری از فروپاشی خانواده، بدون شک یکی از هدف‌های مهم هر جامعه انسانی است. بنابراین تلاش برای رفع مشکلات مربوط به اقتصاد خانواده و ارائه مجوز برای ساخت مسکن مناسب باید در اولویت برنامه‌ها قرار گیرد؛ زیرا خانواده البرزی در معرض خطر گسیختگی، دوری از معنویت و فرهنگ غنی ایرانی، گرایش به سمت زندگی مجردی و فرهنگ غربی قرار دارد.
- به‌کارگیری نیروهای کارشناس و روانشناسان، متخصص و مجرب در حوزه پیشگیری و جلوگیری از وقوع جرائم در استان البرز، ضروری به نظر می‌رسد.

### منابع

- امید مبارکی، امید؛ اکبری، صمد (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر ارومیه فصلنامه جمعیت، صص ۹۰-۸۹.
- امیری، مجتبی؛ پور موسوی، سید موسی؛ صادقی، منصوره (۱۳۹۲). مطالعه آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی در منطقه ۱۹ شهرداری تهران از دیدگاه مدیران شهری، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، شماره ۵، صص ۱۳۷-۱۱.
- الدرینگ، ونورث؛ احمدی، حبیب (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با اقدام به طلاق زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانواده.
- آقای فیشانی، تیمور (۱۳۸۷). خلاقیت و نوآوری در انسان‌ها و سازمان‌ها. تهران: ترمه.

- ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۸). سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، شهرداری تهران.
- بهرامی، رحمت‌الله (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: شهر سنندج) فصلنامه مسکن و محیط روستا، صص ۵۹ - ۷۵.
- پارسای، رضا (۱۳۹۳). بررسی حاشیه‌نشینی از جهان تا تهران فصلنامه دانش انتظامی البرز، سال دوم، دوره ۳.
- حیدری، نوشهر (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی و بازتاب‌های آن با تأکید بر کاربری خدمات شهری، مطالعه موردی: شهر یزد فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال هشتم، صص ۵۲ - ۳۱.
- پورقاسم مهدی، یوسفی بهزاد (۱۳۹۶). تأثیر گسترش حاشیه‌نشینی بر امنیت اجتماعی.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۲). تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر برهام، تهران: انتشارات مرکز.
- حسینی، سید حامد؛ سوری، علیرضا (۱۳۹۳). حاشیه‌نشینی در کلان‌شهر تهران و پیامدهای امنیتی آن. فصلنامه مدیریت بحران. سال ششم، شماره ۲
- خزایی، زهرا؛ زیور یار، پروانه (۱۳۹۱). بررسی و ارزیابی ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی و کالبدی سکونتگاه‌های غیررسمی، مطالعه موردی کوی سیاحی کلان‌شهر اهواز) فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال نهم، دوره ۳۳.
- زمانی؛ احدی؛ عسگری (۱۳۹۳). رابطه طلاق عاطفی با تصویر بدنی و کمال‌گرایی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء.
- رضایی، مهران (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و پیامدهای ناشی از آن در مدیریت شهری
- شیبانی، امین (۱۳۹۰). اسکان غیررسمی، علل، پیامدها و راهکارها (مورد مطالعه: شیرآباد زاهدان). (سومین همایش (کنفرانس) برنامه‌ریزی و مدیریت شهری. مشهد.
- صراف، مظفر (۱۳۸۷). تحلیل عوامل مؤثر اسکان غیر رسمی در ایران، شیراز، انتشارات معاونت شهرسازی و معماری شهرداری.
- عزیزاده، مهدی (۱۳۹۴). تأثیر حاشیه‌نشینی بر نظم و امنیت اجتماعی و راهکارهای مؤثر در پیشگیری و کنترل آن. فصلنامه دانش انتظامی استان کردستان، شماره ۶ و ۲۳، صص ۱ - ۱۶.
- عباسی، مراد؛ قلی زاد، بهروز؛ محمدی، پریسا (۱۳۹۶). تأثیرپذیری جرم از فقر و حاشیه‌نشینی و راهکارهای پیشگیری از آن، فصلنامه دانش انتظامی البرز، سال پنجم، صص ۱۵.
- علی پور، سمیه (۱۳۹۳). سکونتگاه‌های غیررسمی از اسکان تا تخریب. تهران: انتشارات نوآوران سینا.
- کارگر، بهمن (۱۳۸۶). حاشیه‌نشینی و امنیت شهری. نشریه انجمن جغرافیایی ایران. شماره، ۱۴ و ۱۵، صص ۱۶۱ - ۱۴۰.



- کاملی، محسن (۱۳۹۶). تحلیلی بر ویژگی‌های کالبدی و امنیتی مناطق حاشیه‌نشین مطالعه موردی مهدی‌آباد البرز، فصل‌نامه دانش انتظامی البرز، سال پنجم، ص ۱۵.
- کمانرودی، موسی (۱۳۸۵). ناکارایی ساختار مدیریت شهری ایران در ساماندهی اجتماعات اسکان غیررسمی نمونه منطقه ۶ شهرداری تهران. فصلنامه آبادی، شماره ۵۱، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، صص ۱۰۸-۱۱۸
- کریمی، شبنم (۱۳۹۶). دلایلی که می‌تواند منجر به طلاق شود.
- مسعودی، سیدعباس (۱۳۹۶). اعتیاد و طلاق از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی استان البرز خیر تسنیم.
- مرادی، حجت‌الله؛ خلیج، محسن (۱۳۹۶). عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پیدایش بحران‌های امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین (مورد مطالعه: اسلام‌آباد کرج).
- محمدی، یاسر؛ رحیمیان، مهدی (۱۳۸۷). بررسی چالش‌های حاشیه‌نشینی در شهرستان کوه دشت، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، صص، ۶۶، ۸.
- مانوئل، کاستلز (۲۰۰۷). عصر اطلاعات؛ اقتصاد، جامعه و فرهنگ. ج دوم. ترجمه احمد علیقلیان و حسن چاوشیان. تهران: طرح‌نو.
- گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس مسکن (۱۳۹۵) [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)
- هادی‌زاده، مریم (۱۳۹۴). حاشیه‌نشینی و راه‌کارهای سامان‌دهی در جهان. تهران، نشر: آذر برزین.

- Ahmadi, H., (2006). *Sociology of Deviance*, Samt Publications, Tehran. (in Persian)
- Castells. Manuel, (2007). *Information age; economics, society and culture*.
- Cohen, B., (1993). *Introduction of Society*, Translated by Triad, M., Publisher of Contemporary Culture, Tehran.
- Eldering, L. Knorth, J. E., (2007). *Marginalization of Immigrant Youth and Risk Factor*.
- Haralambos, M., Holborn, M., (1990). *Sociology: Themes and Perspectives*, Broadwick, London *Their Everyday Lives: The European Experience*. *Journal of Child and Youth Car Forum*, Vol. 27: No. 3, pp. 153-169.
- Taghi-Nejed, A., (2009). *Modeling Urban Development with Biological Sciences*, Publications School of Geography Martyr Chamran University, Ahvaz.
- Musavi Chashmi, M., (2007). *A Study of Sociology of Crime: Practical Test of General Theory*, *Iranian Journal of Sociology*, Vol. 8, No. 2, PP. 83-111.
- Piran, P., (2001). *Looking to the circumstances of urban social movements*, *Sun Magazine*, No. 2, PP. 12-15.

- Park, R. E., (1928). Human Migration and Marginal Man, American Journal of Sociology, Vol. 33, No. 6, PP. 881-893.
- Shaw, Clifford R., McKay, Henry D., (2012). The social disorganization theory. Center for Spatially Integrated Social Science, Retrieved from.
- Wilson, A. G., (2010). The general urban model: Retrospect and prospect. PapersRegional Science Association, 89(1), 27.